

رباعیات

حکیم عمر حیات

مقدمه: سعید نفیسی

بخش: میکس جمال الدین جلالی

درس

انجمن شاعران ایران - تهران ۱۳۰۰

احوال و آثار عسریام

تقلم آقای سعید نفیسی

عموماً نویسندگان اسم و نسب اوراجتہ المحقق خواجه امام غیاث الدین ابوالفتح عسبر بن ابرہیم
خیام فیثابوری نوشته اند شمس الدین سامی بیک در قاموس الاعلام ترکی اسم و نسب او
را شیخ عمر خیام بن محمد ضبط کرده و نسبت او هم خیام و هم خیامی ضبط شده، در مقدمه رساله
جبر و مقابله، خیامی، و در صدر ترجمه خطبہ ابن سینا دیکر نسخه «الحکیم عسبر بن انجیام» و در
نسخه دیگر «عمر بن ابرہیم» اینثابوری انجیام» و در صدر مختصری کہ باسم رساله وجود یا رساله در علم
کلیات باسم فخر الملک بن مویہ الملک نوشته «الحکیم الکامل ابوالفتح بن ابرہیم انجیام»



ثبت شد و است و در صدر رساله فی الاحتمیال لمعرفه مقدار الذنب و الفضل فی جسم
مربک من سماء حکیم الفضل ابی الفتح عسبرن ابراهیم انجیمی، نوشته شد و در بعضی
رباعیات که باسم او معروفست، ختام تخلص کرد
مولد - عموماً مولفین مولد و مسکن وی را شمس فیثا بور دانسته اند.

مؤلف قاموس الاعلام مولد وی را قریه دهک از بلوک دهستان در استرآباد میداند
و مؤلف کتاب تحفه الشامیه فی الهیئہ، اورالوگری خوانده است یعنی از مردم لوگر که
در کنار رود مرغاب نزدیک شهر مرور و بوده است.

ولادت - تاریخ ولادت او قطعاً معلوم نیست در میان سالهای ۱۱۰۰ و ۱۱۰۱ قمری حدس زده اند.
عصر زندگی - در اینکه ختام دزیمه آخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم زندگی میکرد، هیچ وجه



تردید نیست زیرا که مورخین متفقند که با سلطان جلال الدین خلکشا و سلجوقی (۱۰۵۶-۱۱۰۵) و پسر او سلطان سنجر (۱۰۹۷-۱۱۵۶) معاشر بود است و مراد است او را با بسیاری از رجال بزرگ آن زمان چون امام غزالی و حسن صباح و نظام الملک طوسی و غیره ذکر کرده اند.

طفولیت مولفین جامع التواریخ و تاریخ استظهاری و روضه الصفا و حبيب السیر و تشکده صابا خواج نظام الملک و اغلب از نویسندگان دیگر ذکر کرده اند که خیام در کودکی شاکر و امام مفتی نیشابوری بود و در مکتب با حسن صباح و نظام الملک طوسی در یک زمان بود و این سه مرد بزرگ با یکدیگر عهد کردند که هر یک از او را تر بقامی برسد و دیگر را نیز شرکت دهد و چون نظام الملک بوزارت سلجوقیان رسید خیام و حسن صباح را بخود خواند و بوعده خویش وفا کرد ولی حسن صباح بر او خیانت ورزید و خیام کوشه ای از نیشابور قانع شد.



جمعی دیگر خیام را شاگرد امام غنہ الی شمر دانہ ولی این مکتبہ نیز بعید مینماید زیرا کہ امام
 غزالی معاً و تقریباً ہم سن خیام بودہ و بعضی مولفات خود بر عقاید خیام مندرجہ است.
 اخلاق - اغلب از مولفین بر آنند کہ خیام حکیمی گوشہ نشین و قانع بود چنانکہ نظام الملک
 شہادت او را بدربار پادشاہ سلجوقی راہ بردہ و وی پذیرفت و بگوشہ ای دیشب اور قناعت کرد و
 نیز پدیدت کہ مرزا ہزل و بذلہ سنج بودہ.

عقاید و افکار - مولف تاریخ الفی خیام را صاحب مذہب تناسخ میداند.
 ابن قفطی مینویسد کہ بطریق حرکات بدنی برای تنزیف نفس انسانی میکوشید و سیات بدن
 را بر قوا حیوانانی استوار میداشت و ہمین جہت صوفیان او را از خود دانستہ اند.
 نظامی عروضی بر آنست کہ چنانکہ نجوم میکرد ولی نجوم اعتقادی نداشت.



معلومات - خیام در زمان خود از شاہیر علماء بود و در اغلب از علوم متداول آن زمان دست داشت در نجوم از بزرگان بود چنانکہ ابوالفرج موخ می نویسد کہ نظام الملک خیام را بنجم دربار ملکش کرد.

شہرستانی نوشتہ است کہ در علوم یونانی عارف کامل بود.

مؤلف تاریخ الفی دی را از پیشوایان حکمای خراسان شمرده و مینویسد کہ او را در حکمت قریب بہ مرتبہ ابن سینا شمرده اند، زکریا بن محمد قزوینی گوید انواع حکمت مخصوصا ریاضیات را نیکو میدانست

شہر زوری در حکمت و فقه و لغت او را از علمای شمار داد و گوید عبد الرزاق وزیر شکلی در آیہ ای از قرآن داشت کہ عند الی آن راجع نمیتوانست کرد و چون خیام برودارد شد آن شکل



غزالی اور آتھین کرد و نیز حکایتی نقل میکنند کہ سلطان بنجر در کودکی بآبلہ مبتلا بود و وی
اور اشفا داد و از انجبا پیدا است کہ در طب نیر دست داشت است.

رحلت - در تاریخ رحلت خیام اختلافات بسیار است : از ۱۰۸۰ کہ فرشتہ ۱۱۰ ضبط کرده اند.
قطعا تاریخ ۱۱۸ صحیح نیست زیرا کہ نظامی عروضی میگوید کہ او در سال ۱۰۶۰ در بلخ طاقات
کرده و از سال ۱۰۵۰ حکایتی از احکام نجومی او میآید و در تاریخ ۱۰۵۰ نیز قطعا بخط است زیرا
کہ خیام سلما ۸۰۰ م در قرن ششم بوده و غنم و انقدر دراز نشد است کہ در اوایل قرن
ہفتم رحلت کند و معاصرینی کہ برای او شمرده اند ہمہ در او آخر قرن پنجم در اوایل قرن
ششم بوده اند و صحیحترین تاریخ وفات او سال ۱۰۷۰ است.



مزار تقریباً در چپا هزار و پانصد متری جنوب شرقی شهر مینا بود و در غربهای مینا بود
 قدیم پتو بخراجهای شهر شاید باخ بقعه اما مزار و محراب محروق و اوقات که اورا برادر
 امام هشتم می دندولی در زمان نظامی عرضی آنجا قبرستان عمومی شهر بود و با اسم قبرستان
 حیر.

بنا و شهرت این اما مزار و مانند اما مزارهای دیگر ایران ازصفویه است و در سال ۱۰۳۱ شاه
 عباس بزرگ آنرا تمام کرده. صحن این بنا محوطه بزرگست نزدیک بسی هزار فاع که بقعه
 اما مزار و در میان آن اوقات وارد و طرف دو ایوان دارد، در ایوان چپ قبر خایم در
 میان طاق نماهای ایوان باشد و سنگی بر سر مزار اوست که علامت تربت عزیزا باشد
 ولی از قدیم همسواره در میان مردم مینا بود معروف بود و است که مشیر خایم آنجا است



بنای امامزاده از آجر و کاشی مانند سایر بناها و ایوانها از اجرت .

آثار - آنچه از آثار خیرام تاکنون بمبارسیده است بدین قرار است .

۱. رباعیات فارسی که مشهور است و شاید نزدیک پنجاه بار بزبان فارسی چاپ شده باشد و در تمام ممالک متدین ایجت و با غلبه بانها ترجمه شده .

۲. اشعار عربی که در بعضی کتب از نقل کرده اند و عبارت از ۹ بیت مقطعات مختلف .

۳. رساله جبر و تقابله عربی که در ۱۸۵۱ میلادی در پاریس توسط دپلکستشورق چاپ شد .

۴. رساله شرح ماثل من مصادرات اقلیدس که بنخواهی از آن در کتابخانه شرقی

شهر لیدن از بلاد هلند موجود است



۵. رسالہ ای طبیعیات (کہ شہر زوری بد نسبت می دہر)۔

۶. صحیفہ ای بفارسی در علم کلیات کہ شہر زوری آرا با سہم در سالہ ای در وجود بنام فخر الملک
بن مہدی الملک ثبت کرد و بہ ہستیاری سود این اوراق در مجلہ شہر ق منطبع طہران
(شمارہ سوم - اسفند ماہ ۱۳۰۹ - ص ۱۶۷ - ۱۶۸) اشارہ شد است۔

۷. رسالہ ای در کلیات وجود بفارسی (کہ نسخہ ای از آن در کتابخانہ شرقی معروف بموزہ
بریطانیا در لندن موجود است)

۸. رسالہ ای در کون و کلیف (کہ شہر زوری آن را نسبت می دہر)

۹. رسالہ فی الاحتیال لمعرفہ مقداری الذہب و الفضة فی جہم مرکب منها کہ نسخہ ای
از آن در کتابخانہ شرقی کوتاہ از بلاد آلمان موجود است و در ذیل بابغیات خیام چاپ

مطبعه کاویانی برائے بطبع رسیدہ است

۱۰۔ رسالہ لوازم الاکملہ (کہ تاریخ الفی باونست داده است)

۱۱۔ رسالہ ای در بیان بیج ملک شاہی (کہ شیخ عبدالواحد در شرح سی فضل باونست میدہد)

۱۲۔ ترجمہ فارسی خطبہ ابن سینا از عربی در توحید کہ چند نسخہ از آن در طهران موجود است و از

آن جملہ نسخہ ای در کتابخانہ مدرسہ ناصری و در شمارہ ہشتم مجلہ شرق بمباشرت مسود

ابن اوراق تحت طبعست .

۱۳۔ قسمی از مخطوطہ روضۃ القلوب (کہ پرفسور آرتور کریستنسن مشرق معروف دانمارکی

معاصر آنرا کشف کردہ است)

زیج ملکشاهی - چون در زمانهای قدیم در سالهای عمرانی که مردم می گرفتند
 کبیسه را که در آخر هر سال می بایست محسوب و از مذبح حساب نمی آوردند بمردور ایام نوروز
 از اول فروردین و آغاز بهار عقب افتاده بود و در سال ۴۶۷ در زمان سلطنت ملکشاه
 سلجوقی نوروز مصادف شده بود با احوط، لهذا پادشاه مزبور در صد اصلاح تقویم
 برآمد و شش تن از مخمین آن زمان را باین کار گماشت و از آن جمعه عمر خیام و ابوالنظریا
 امام مذهب اسفزاری و میمون بن نجیب واسطی و عبدالرحمن غازی صاحب زیج سنجر
 و حکیم ابوالعباس لومکری بودند و ایشان اصلاحی در تاریخ کردند و کبیسه واقعی تریب دادند
 که اول سال و نوروز را ثابت نگاه دارند و سال اول هجری این تریب را جمعه ۱۰
 رمضان سال ۴۷۱ هجری (مطابق با اول جل سال ۷۹۰ میلادی) قرار دادند



و بنصف النهار اصفهان گرفتند و این تاریخ باسم تاریخ جلالی معروف شد و این
زیج در میان پنجمین باسم زیج ملکشاهی معروف است.

رباعیات - رباعیات خاتم الزمان زمانهای قدیم معروف دریاچ بود و چنانکه
شیخ نجم الدین رازی معروف باین در کتاب (مرصاد العباد) که در سال ۶۲۰ یعنی صد و سه
سال پس از ولادت خاتم تألیف شده است بعضی از آنحضرا ذکر کرده و پس از آن در
هر دوره ای معروف بوده است قدیمترین نسخهای رباعیات که فعلاً بدست است یکی نسخ
ایت که از سال ۷۲۱ منسوب کرده اند و متوسط دکتر فریدرخ روزن سترش آلمانی در
مطبعه کایوایی برلین سال ۱۳۰۴ شمسی از روی آن نسخه چاپ شده ولی تاریخ تحریر
آن مجهول است بنمایه مکرر اینکه از روی نسخه دیگری نوشته شده باشد که از ارد ۷۲۱



نوشته باشند، این نسخ شامل ۳۲۹ رباعیت .

پس از آن نسخ دیگری که ظاهر آن قدیم ترین نسخ خطی موجود است که در کتابخانه شرقی
بولین در شهر انگلستان موجود است و سال ۸۶۵ هجری نوشته شده
۱۵۸۰ رباعی از خبثت نام دارد .

پس از آن نسخهای خطی و چاپی رباعی خبثت نام تقدیر است که از شماره بیرونست و حتی نسخهای
چاپی آن هم احصاء نمی توان کرد

در نسخهای قدیم عدد رباعیات که با اسم خبثت ثبت کرده اند از ۲۵۰ تا ۳۰۰ است و هر چه
زمان ها نزدیک تر شویم عدد رباعیات منسوب به خبثت بیشتر درین میان واضح
میشود که هر روز یک عدد رباعیات را که از دیگرانست بخبثت منسوب میدهند تاکنون نزدیک

نخبر الرباعی بنجام بسته.

ولی محققین از میان این شمار کثیر فقط ۲۵۰ تا ۳۰۰ رباعی را از گفته خیام میدانند.

دو تن از مجید معارف مستشرقین اروپا درین باب تحقیقات مهم کرده اند.

نخست مستشرق شیروسی معروف و نخستین فرد کوفی است که در کتابی موسوم به

«المطیبه» که مجموعه است از مقالات مستشرقین روسی بناسبت سال بیت پنجم

نصب بارن ویکتور زرن مستشرق معروف روسیه و معلم الهند شرقی در دارالعلم بطرز

بورخ مقاله ای درین باب نوشته و دوم مستشرق شیخروانمار کی علامه معاصر است و

آرتور کریستنسن است که دو کتاب درین باب تألیف کرده و نخست کتابی بفرانسه با اسم

«تحقیقات درباره رباعیات عمر خیام» و دیگر کتابی بانگلیسی بعنوان «مطالعات اعتقادی

در رباعیات عمر خیام «وختی کتابی بزبان ایتالیائی تألیف آ. پراپاتو در همین
 باب هست بعنوان «اتحاد مقدماتی در باب رباعیات عمر خیام»
 تحقیقاتی که این دانشندان در باب تأخذ رباعیات خیام کرده اند مفصلت یمینقدر
 میتوان گفت که فی المثل ژوکوفسکی ۸۶ رباعی منسوب بنیام را ذکر کرده است که از
 شعرای دیگر از قبیل عطاء بنجسم الدین رازی و حافظ و نصیر الدین طوسی و عبید الله
 انصاری و رضاء الدین ابن سینا و انوری و جلال الدین بلخی و بیتی بلخی و معنربلی و فخر
 رازی و شامی و حاکمی و محمد حسن خان شاد نعت الله ولی و کمال اسمعیل و شیر الدین و
 سیف الدین باغری و ابوسعید ابو الخیر و ابو الحسن خرقانی و شاد سبحان خوانی و
 فضل الدین کاشانی و سنایت .

از آن زمان رباعیات دیگری از سلمان سادجی و شتاق اصفهانی و غیره نیز خیاام نسبت داده می‌توان گفت هر چهار رباعیاتی در ناپایداری جهان و غم خوردن و باد و کساری یافتند با هم خیاام بسته و اینک از سبب آن آن پنجه در رباعی آنچه را که متعلق بدیکر است بیرون آوردن رسالای جداگانه و متبوع در تمام نسخ معتبره و قدیم و او این شعرهای فارسی زبان لازمت و کاریت که تغییر محال می‌نماید.

عسر خیاام در خارج از ایران می‌توان گفت خیاام یکی از آن نوادر رجال دنیا که در تمام ممالک عالم معروفست.

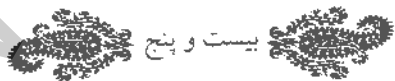
شهرت فوق العاده او درین زمان بابوا سطر رباعیات اوست که مضامین مخصوص بخود دارد و این مضامین منحصراً چنان لایک نیست که بهر زبان ترجمه شده مردم آن

زبان را شیفته گردوانست .

از زبانهای تل تمدن امروز کمتر زبانیست که ترجمهائی یا ترجمه‌ای از رباعیات خیام در آن نباشد .

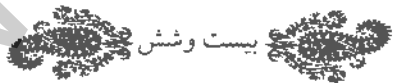
شهرت خیام در اروپا قدیمیت و از نیم اول قرن هجدهم میلادی شروع شد نخستین کسی که خیام را در اروپا معروف کرد مشرق معروف انگلیسی دکتر تئامس بود که در کتاب خود با اسم «تاریخ مذهب پارسیان و پارسیان» و مادی قدیم ، بعضی رباعیات خیام را بزبان لاتین ترجمه کرده و در سال ۱۷۶۰ در اکسفرد انتشار داد .

در اوایل قرن هجدهم بسرگرد از ادیبان انگلستان در دوبار فتحعلی شاه اولین ترجمه بعضی از رباعیات خیام را نشر داد .



در سال ۱۸۱۸ میلادی باریک فن دامر پورگشتال مستشرق اطریشی در کتاب خود موسوم
به تاریخ ادبیات ایران، خیام را آلمانی ترجمه کرد.

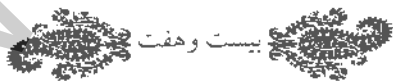
در ۱۸۲۷ فریدنج روکرت بعضی رباعیات در کتاب موسوم به «صرف و نحو و نحو
و معانی بیان ایران» بعضی اشعار خیام را با تشهاد آورد ولی کسیکه خیام را
بالمره در آمار و پام معروف کرد ادوارد یلنگول انگلیسی رئیس مدرسه سنکیت در
کلته بود که اغلب از شعرای ایران را او معروف کرد است و مخصوصاً او شهرت
بزرگی برای خیام فراهم آورد و او را در فیتنبرگ آلمان خود را با افکار خیام آشنا
ساخت.



ادوارد فیتزجرالد از شعرای خوب انگلستان بود و مضامین خیام را بشعر انگلیسی آورد
شاعر منبر ۲۵ رباعی خیام را نظم کرد و در سالای کوچک که فقط ۲۵۰ نسخه
از آن اشراف یافت و در ۱۸۵۹ توسط کوایچ کتا بفروش در لندن چاپ شد و آن
اشعار را اشاره داد که اسم گوینده آرا هم داشت.

این رساله را با آنکه پیش از یک پند تقریباً شای پول امروز ایران نیز فروختند کسی
نخرید ولی ترجم آن نایوس نشد و حتی متها کسی گوینده آرا نمی شناخت کاریل
نوینده معروف انگلیسی از دوستان فیتزجرالد تا چهار سال خبر نداشت که ترجم این
رباعیات او بود است.

بالاخره کلم کلم این رساله معروف شد و امروز نهضت آن بیتی خرید و فروش می شود که فقط



توکلران درج اول انگلستان و امریکای توانمندنخای ایران داشته باشند.
ایکث از رباعیات عمر خیام در تمام زبانهای اروپائی یا سایر ملل متحدن ترجمه
هست

مقالات و کتب در باب خیام - عدد مولفاتی که در باب عمر خیام و عقاید و افکار او
زبانهای گوناگون نوشته شده و نیز چند است که بشمار در نمی آید .
آنچنین توانسته ام تاکنون احصا کنم چهل و نه رساله جداگانه کتاب می توان اسم ببرد
که در حق او نوشته شده و گذشته از آن مقالات که در دایرة المعارف و مجله
و مجلات و کتب تاریخ ادبیات در باب او نوشته اند نیز از شمار و سرونست .

طهران - خرداد ۱۳۱۰

